

بررسی دلایل همزیستی مسالمتآمیز فرقه شیخیه با مردم شهر کرمان دکتر سوده مقصودی*

چکیده

فرقه شیخیه که در اواسط قرن ۱۳ با ظهور شیخ احمد احسایی پا به عرصه وجود گذاشت قدمتی ۱۶۰ ساله دارد. این فرقه شاخه‌ای از شیعه اثنی عشری است که در اصول دین با این مذهب تفاوت‌هایی دارد. مقاله حاضر قصد دارد تاریخچه پیدایش این اقلیت فرقه‌ای، ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی، اصول و عقاید مذهبی و دلایل تاریخی و اجتماعی رشد این فرقه در شهر کرمان را بررسی نماید.

نحوه ارتباط مردم کرمان با شیخیه، دلایل همزیستی مسالمتآمیز کرمانیان با ایشان، حقوق سیاسی- اجتماعی و محرومیت‌ها و ستم‌های وارد بر این اقلیت در ایران از جمله اهداف دیگر این پژوهش است. از سوی دیگر سعی شده فرقه‌ای بودن این گروه از نظر تئوری‌های جامعه‌شناسی بررسی شود. روش تحقیق حاضر کیفی از نوع مطالعه استنادی و کتابخانه‌ای، مصاحبه با سران و روحانیون این فرقه و مردم عادی به همراه تکنیک مشاهده مستقیم می‌باشد.

* استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان
پست الکترونیکی: Maghsoudi@mail.uk.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۱۳

یافته‌های این پژوهش نشان داد که با توجه به تئوری‌های جامعه‌شناسی دین، این گروه فرقه‌ای مذهبی است و در تمامی زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی با گروه اکثریت (متشرعنان اثی عشری) تعامل و ارتباط دارد. شیخیان حدود ۷٪ از جمعیت کرمان را در بر می‌گیرند و از حقوق سیاسی - اجتماعی همانند سایر شیعیان برخوردار هستند. طرفداران این فرقه خود را شیعه ۱۲ امامی می‌دانند و به اصول مذهبی خود شدیداً پایبندند. در گذشته این گروه به دلیل اعتقادات خاصشان در مورد معاد، عدل، امامت و معراج از طرف جامعه شیعه طرد می‌شد و مورد آزار قرار می‌گرفت، اما امروز شبهات‌های عقیدتی و وضعیت اقتصادی مطلوب اکثریت آنها و متزلت اجتماعی بالا از جمله دلایل همزیستی مسالمت‌آمیز مردم کرمان با ایشان است.

واژگان کلیدی: همزیستی، مسالمت آمیز، اقلیت، شیخیه و کرمان.

مقدمه

دین نظامی از اعتقادات روحی و احکام و عبادات و ارزش‌های اخلاقی است که فرد را در چارچوب روابط گروهی به خالق یا نیروهای مافوق تصور، ارواح، خدایان یا بت‌ها پیوند می‌دهد. از این دیدگاه، دین، نقش‌های مختلفی را بازی می‌کند که در همبستگی گروهی، معنی‌دار کردن زندگی فانی، کنترل یا انضباط، حمایت و دلجویی روانی و تغییر اجتماعی خلاصه می‌شود. علاوه بر این، دین اولین سرچشمۀ اطلاعات، بینش‌ها و آگاهی‌های انسان است و از این جهت بر ظهور فلسفه و علم تقدم زمانی دارد. ولی با توجه به سلطه فرهنگی دین در جامعه حتی آن‌ها که خود را کافر و شیطان پرست می‌دانند به شکلی تحت تأثیر نفوذ تاریخی و فرهنگی دین در جامعه قرار می‌گیرند. در غرب و به خصوص آمریکا حتی بی‌دینان و شیطان

پرستان در میلاد مسیح به نحوی همنگ جماعت می‌شوند تا از مزایای عیش و نوش و سرگرمی‌های مربوطه بر خوردار گردند (الطائی، ۱۳۷۸: ۷۵).

البته هیچ دین و آیینی نیست که حداقل به شکلی این یا آن گروه از پیروان را در این یا آن زمان متحجر و کافر ندانسته باشد. کوتاه سخن این که از نظر تئوری‌های جامعه شناسی، این دین است و نه قوم و قبیله و ملت یا طبقه اجتماعی که اولین منبع هویت بخشی فرد و گروه تلقی می‌شود؛ زیرا اولین بیشن و تصور گروه‌های انسانی در مرحله غارنشینی، بیشن (توتمی) و (دینی) بود. امروزه نیز دین هویت بخش است. این هویت در بسیاری از جامعه‌ها بیشتر جنبه ارزشی و فرهنگی و نمادی دارد تا عبادتی (همان: ۷۶).

گروه اقلیت گروهی است که تعداد افرادش از اکثریت حاکم کمتر و جایگاه و قدرت سیاسی‌اش به خاطر مذهب، فرهنگ، روابط اجتماعی، زبان، قومیت و نظریات سیاسی در موقعیت درجه دوم قرار گرفته است. بررسی گروه اقلیت در یک جامعه مهم است؛ زیرا تنها ۲۰ عضو از ۱۸۵ عضو سازمان ملل را کشورهایی با جمعیت یک دست تشکیل می‌دهند و دیگران جمیعت‌های ناهمگون دارند. بنابراین آگاهی از عملکرد، افکار و اعتقادات اقلیت‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. به نظر می‌رسد اکثر مردم جهان جزء گروه‌هایی هستند که فعالیت فرهنگی یا مذهبی‌شان برخی از قوانین بین‌المللی حقوق بشر را پایمال می‌کند.

شكل گیری فرق و مذاهب در تاریخ اسلام و بررسی آموزه‌ها و فعالیت آن‌ها که موضوع ملل و نحل است در برخی دوره‌های تاریخی شدت بیشتری به خود گرفته است. این موضوع در کل قلمرو جهان اسلام قابل بررسی و واکاوی است، اما تاریخ

ایران دوره اسلامی به عنوان مهمترین بخش‌های این قلمرو در این گونه مطالعات محسوب می‌شود. بررسی تاریخ ایران بعد از حمله مغولان و به ویژه با سقوط خلافت عباسی نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی از فرقه‌ها با رویکردهای مذهبی و اجتماعی شکل گرفتند و توانستند بر جریان‌های سیاسی - اجتماعی تاثیر بگذارند. این جریان‌های سیاسی - اجتماعی به مرور به تشکیل گروه‌ها و دسته‌هایی منجر شد که ساختار و قدرت را نیز نشانه گرفتند. فعالیت این فرقه‌ها فراز و فرودهای زیاد و تغییر و تحولات فراوانی به خود دیده و تأثیرات زیادی بر جامعه اکثریت گذاشته است (جعفری، ۱۳۸۹: ۲۲). گرچه فرقه‌های مختلف مذهبی ضمن داشتن توان زیاد برای برانگیختن مردم زمینه انحطاط را نیز در خود داشتند، اما تنها گروه‌هایی موفق بودند که بدون برانگیختن احساسات مخالفین آموزه‌های خود از فرصت فراهم شده استفاده بهبیه نمودند. به نظر می‌رسد که در این میان رهبران فرقه شیخیه توانستند با سازماندهی نیروهای خود امکان همزیستی و تساهل با اکثریت را در جامعه ایران فراهم آورند.

فرقه شیخیه شاخه‌ای از مذهب شیعه اثنی عشری است که در ایران و غالباً در استان کرمان ساکن هستند. مقاله حاضر قصد دارد تاریخچه پیدایش این اقلیت فرقه‌ای، ویژگی‌های اجتماعی همچون طبقه اجتماعی، محل سکونت، آداب و رسوم و آیین‌ها، ارتباط با نظم سیاسی حاکم و... را بررسی نماید. دلایل پیدایش و بقای این اقلیت در جامعه کرمان و ارتباطش با سایر ادیان ایران از اهداف دیگر این مقاله ذکر شده است. بررسی دلایل همزیستی مسالمت‌آمیز این اقلیت با اکثریت جامعه و اثبات فرقه‌ای بودن آن‌ها با توجه به تئوری‌های جامعه‌شناسی نیز از اهداف مهم این

پژوهش است. امید است با توصیف مقدماتی وضعیت این اقلیت در کرمان، عرصه جدیدی به روی پژوهش‌های قوم و اقلیت شناسی در ایران باز شود.

اهداف تحقیق

- ۱- تاریخچه شکل‌گیری فرقه شیخیه در ایران
- ۲- بررسی اصول و عقاید شیخیه و تفاوت آن‌ها با متشرعنان
- ۳- ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی اقلیت شیخیه
- ۴- دلایل تاریخی و اجتماعی رشد این فرقه در شهر کرمان
- ۵- نحوه تعاملات و ارتباطات مردم کرمان با این فرقه
- ۶- دلایل همزیستی مسالمت‌آمیز مردم کرمان با این فرقه در ایران
- ۷- بررسی حقوق سیاسی - اجتماعی این فرقه در ایران
- ۸- بررسی بود یا نبود محرومیت‌ها و ستم‌های گروه اکثریت علیه شیخیه
- ۹- مطالعه فرقه‌ای یا مذهبی بودن شیخیه از منظر جامعه شناسی

پیشینه تحقیق

تاریخچه پیدایش فرقه شیخیه در ایران

پیش از عهد صفوی، شیعیان ایران به دو دسته تقسیم شدند: صوفیان و متشرعنان. از قرن‌ها پیش بین صوفیان و متشرعنان مشاجرات عقیده‌ای و مذهبی برقرار بوده و دو طرف، همیشه یکدیگر را در توجیه عقاید مورد لعن و تکفیر قرار می‌دادند. ولی از زمان سلطنت صفویان تصوف رو به ضعف نهاد و تشیع با حمایت شاهان صفوی، به خصوص شاه عباس سوم در ایران رسمیت یافت، از آن پس متشرعنان

شیعی بر متصوفان پیروز شدند و میان پیشوایان شیعه موقتاً اتفاق نظر برقرار شد، ولی این حالت ادامه نیافت؛ بلکه پس از انقراض دولت صفوی در قرن ۱۲ هجری میان فقهای شیعه درباره چگونگی استنباط احکام از منابع فقهی اختلاف سلیقه پیدا شد و سران صاحب نظر آنها دو دسته شدند:

۱- دسته‌ای به نام (اصولیون)

۲- دسته‌ای به نام (خبرایون)

اصولیون معتقد بودند که در استنباط احکام فرعی باید از روی منابع فقهی قرآن، اخبار، اجماع و عقل یعنی اصول عملیه اجتهاد نمود ولی خبرایون در استنباط احکام خلاف جهت اصولیون می‌رفتند و سخت تعصب نشان می‌دادند. مبنای استنباط آن‌ها تنها اخبار و احادیث منقول از ائمه شیعه بود و خبر و حدیث را بر اصول عقلیه ترجیح می‌دادند و از به کار بردن اصول اجتهادی مورد عمل اصولیون خودداری می‌کردند. سران اصولیون و خبرایون با یکدیگر به مجادله و مبارزه می‌پرداختند و هر کدام طرف مقابل را کافر می‌دانست و حتی واجب القتل می‌شمرد. این اختلاف روز به روز دامنه‌دارتر شد و در اواخر قرن ۱۳ هجری بسیار شدت پیدا کرد. در آن زمان شیخ احمد احسایی پا به میان گذاشت و با ایجاد فرقه‌ای تازه به اختلاف اصولی و خبرایی پایان داد و از آن پس این اختلاف به اختلاف متشروعه و بالا سری مبدل شد. در واقع احسایی، مسلکی میانه اصول و اخبار اختراع کرد که اکنون (شیخیه) نام دارد (سمیعی نژاد، ۱۳۷۱: ۱۴).

به طور کلی ادوار تاریخی فرقه شیخیه از آغاز تأسیس یک فرقه مذهبی را می‌توان بدین ترتیب بیان کرد:

۱- مرحله اعتراض

۲- مرحله چالش‌های درون گروهی

۳- مرحله تاسیس رسمی فرقه مذهبی (اکبری، ۱۳۸۱: ۱۲).

بنیانگذار فرقه شیخیه

شیخ احمد احسایی (۱۲۴۱- ۱۱۶۱ هجری قمری) پسر زین الدین احسایی از مردم احسا جزو منطقه القطیف در بحرین در خاندانی پیرو مذهب تسنن زاده شد. او در ۵ سالگی قرآن را تمام کرد و در میان کودکان زمان خود ممتاز به هوش و فکر بسیار بود. او تا ۲۰ سالگی مقدمات علوم دینی (ادبیات عربی) را خواند و توجه خود را به اخبار و احادیث شیعه معطوف ساخت و در نتیجه پیرو مذهب شیعه دوازده امامی گشت.

شیخ در دوران تحصیل خود از میان علوم به اخبار و احادیث شیعه و مسائل فلسفه دینی بیش از همه علاقه و توجه داشت. او در گرایش به شیعه تعصب و حیمت سختی نشان می‌داد و در همان حال متفکر و بی‌باک و دارای ذوق فلسفی بود. او بیش تر عمرش را در گشت و گذار و سیر و سیاحت در عراق، ایران و عربستان گذراند و اطلاعات و معلومات دینی او کامل شد (سمیعی نژاد، ۱۳۷۱: ۱۵). شیخ احمد احسایی بیش تر احکامش را در خواب الهام می‌گرفت و سپس برای مردم بیان می‌کرد. او اندوخته علمی و فکری زیادی در حین سفرهایش فراهم کرد و مردی پارسا، متفکر و مبتکر بود، هم چنین هیچ گاه دروغ نمی‌گفت. شیخ با توصل به ارواح پاک بزرگان دین در خواب چیزهایی می‌دید یا می‌شنید که پایه آراء او را تشکیل

می‌داد. او به فضایل علی و خاندانش اعتقاد راسخ داشت و اصلًاً به دنیا و متعلقاتش علاقه‌ای نشان نمی‌داد (ابراهیمی نژاد، ۳۵۰: ۱۵). در روایات شیعی او در زمرة کسانی است که استاد دیگری جز ائمه هدی و الهاماتی که در عالم روایا به او می‌شده نداشته است (کوربن، ۱۳۴۶: ۲۵). بر این اساس وی اجازه نقل روایت و اجتهد خود را نه به واسطه طی مراحل آموزش رسمی، بلکه در خواب و از دست امام دهم به نمایندگی از سوی دوازده امام دریافت می‌کند. به این خاطر شیعیه اعتقاد دارند که این «مقامات قدسی» بعدها به صورت تعلیمات، کتاب و رائل وی تجلی کرد (ابراهیمی، بی‌تا: ۸). اعتراضات شیخ احمد متوجه دو امر مهم بود: نخست اعتراضاتی که «قرائت» رایج از تفکر شیعی را نقد می‌کرد و متقابلاً مبانی دیگری ارائه می‌داد، دیگر اعتراضاتی که سلسله مراتب مذهبی یا تشکیلات اجتماعی اریابان مذهب شیعه را با طرح «نظریه رکن رایج» مورد هجوم قرار می‌داد. او برای جلوگیری از عکس العمل شدید اریابان مذهب و تکفیر خود با ظواهر عقاید رایج شیعه مخالفت شدید نمی‌کرد ولی انتشار آراء شیعیه و اعتراضات وی در برابر قرائت جاری، نهایتاً باعث حرکات شدیدی علیه وی، آراء و عقایدش گردید (تنکابنی، ۱۳۶۴: ۵).

تنکابنی مقابله روحانیون با شیخ را بر سر چند مسئله مهم می‌داند: نخست اعتقاد وی به معاد روحانی یا به قول خود وی بدن غیر عنصری و همین طور معراج غیرجسمانی پیامبر، دوم آراء و عقاید وی در مقام و اعتبار ائمه هدی و سوم طرح نظریه رکن رایج یا شیعه کامل و ناطق واحد و نوعی مقابله جویی با سلسله مراتب فقههای شیعه (همان: ۶).

عکس العمل‌های اولیه روحانیون شیعه به دو صورت متجلی شد: برخی هم‌چون ملّا محمد تقی برغانی، آقا سیدمه‌دی، حاجی ملّا محمد جعفر استرآبادی، آخوند ملّا آقای حسن نجفی و صاحب جواهر، شیخ را تکفیر کرده و عقاید او را نوعی تجدید نظر طلبی و خروج از اصول و مبانی تفکر شیعی دانستند. دوم افرادی چون آقا سید علی که با احتیاط با حزم اندیشی با عقاید او رفتار کردند. تکفیر شیخ گرچه بر منازعات درون مذهبی شیعیان دامن زد، اما تاثیر چندانی بر حرکت رو به رشد اعتراض‌وی نداشت. پیروان سراسر ایران، یمن و عراق کتب و رسائل وی را سرمشق خود قرار دادند و بدین ترتیب نخستین نشانه‌های شکاف در پیکره مذاهب شیعی بروز کرد. (کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۵).

در جلد دوم کتاب الفهرست تألیف ابوالقاسم زین‌العابدین کریم خان کرمانی در حدود ۱۳۲ کتاب و رساله از او نام برده شده است. شیخ احسایی بین اصولیون و اخباریون آشتبی برقرار کرد و از این اختلاف عقاید تازه‌ای عرضه کرد. در جواب این سوال که هدف شیخیه چیست می‌گویند بندگی خداوند و اطاعت پیغمبر و اوصیای او و دوستی ایشان و دشمنی ایشان. البته این هدف همه شیعیان اثنی عشری است اما شیخ، قدری به این هدف نزدیک‌تر شده است (همان، ۱۳۵۳: ۳۲).

سایر رهبران

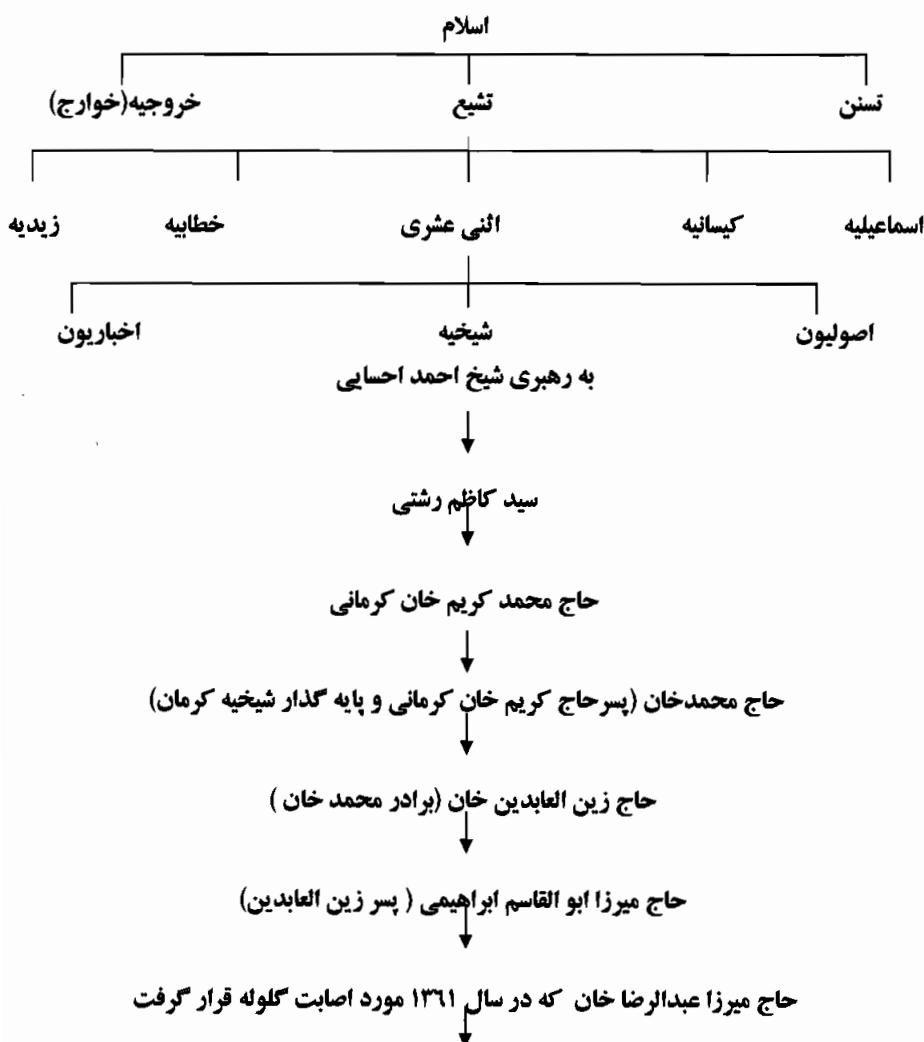
پس از شیخ احمد احسایی، سید کاظم رشتی، شاگرد او جانشینش شد. او در طفولیت رویایی و متفکر بود و این حالت از آثار و استعدادش حکایت می‌کرد. از این حیث شیخ شیخ احمد احسایی بود. سید کاظم که در آن اوقات تقریباً ۱۵ سال داشت به هر نحو بود از رشت حرکت کرد و به یزد رسید و منتهای آمال و کمال

مطلوب خود را آن جا دید. آثار او بیش از ۱۷۲ عنوان ذکر شده است. او در استحکام فرقه شیخیه نقش مؤثری داشت. پس از رشتی، شیخیه سه شعبه شد. یکی شیخیه تبریز که میرزا شفیع تبریزی رهبر آن بود و دیگری سید علی محمد شیرازی معروف به باب (مؤسس بھایت) که از دید شیخیه شاخه‌ای انحرافی از اسلام است؛ زیرا خودش را باب امام زمان معرفی می‌کرد. شاخه آخر توسط شاگرد رشتی اش یعنی حاج محمد کریم خان کرمانی تأسیس شد و او بود که شاخه کرمانی شیخیه را استحکام بخشید.

بعد از رشتی معلوم نبود که سرپرست شیخیان کیست. او وقتی شنید پس از مرگ رشتی، میرزا شفیع در تبریز و سید علی باب در شیراز ادعای جانشینی کرده‌اند سخت ناراحت شد و به مبارزه با آن‌ها پرداخت. برخی معتقدند که اگر مناظرات و مبارزات حاج محمد کریم خان کرمانی با باب نبود، تمام ایران را بهائیت می‌گرفت (سمیعی نژاد، ۱۳۷۱: ۳۲).

پس از او فرزندش حاج محمدخان (۱۳۲۴- ۱۲۶۳ق) به ریاست شیخیه رسید. رسالاتی که او نوشت به ۲۵۰ جلد کتاب می‌رسد. پس از او حاج زین‌العابدین خان برادر حاج محمد خان جانشینش شد. حاج میرزا ابوالقاسم ابراهیمی (۱۳۹۰- ۱۳۱۴ق) پسر او بود که پس از پدر ریاست این فرقه را عهده‌دار شد. سپس حاج عبدالرضاخان جانشین پدر شد که در سال‌های اول انقلاب یعنی در ۱۳۶۰ به دست منافقین ترور شد. در حال حاضر زین‌العابدین ابراهیمی ریاست فرقه شیخیه کرمان را عهده دار است که به (سرکار آقا) مشهور می‌باشد و از دید شیخیان به شیعه کامل و رکن رابع مشهور است. البته زعمات فرقه شیخیه اکنون در عراق با آقای حاج سید علی موسوی است که در بصره سکونت دارد (مشکور، ۱۳۷۲: ۸۲).

شجره نامه فرقه شیخیه



روش تحقیق

روش پژوهشی که در این مطالعه به کار گرفته شده از نوع پژوهش کیفی است. به دلیل برخی کاستی‌های موجود در پیمایش‌های کمی، توجه و علاقه روز افزونی به استفاده از روش‌های کیفی در پژوهش‌های علوم اجتماعی و رفتاری مشاهده می‌شود. یکی از دلایل توجه به این روش پژوهش، استفاده‌ای است که به طور معمول از پرسشنامه در انجام پژوهش‌های پیمایشی صورت می‌گیرد و بدین وسیله پژوهشگر ممکن است دیدگاه‌های شخصی خود را بر سوژه‌های پژوهش، تحمیل نماید. لذا از مزایای استفاده از روش‌های کیفی در پژوهش‌ها، به دست آوردن یک درک واقعی از پدیده‌ها و مشاهده «آنچه که هست» می‌باشد (Brew, 2001).

به طور کلی اطلاعات مورد نیاز این پژوهش به سه شیوه روش‌های تحقیق کیفی و به طور جداگانه جمع‌آوری گردید که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- مطالعات میدانی در منطقه

به منظور اجرای این بخش از پژوهش، پژوهشگر طی مدت انجام تحقیق (حدود ۱۲ ماه) به طور مداوم به منطقه اجرای طرح (محله‌های شهر کرمان) مراجعه نموده و با تماس مستقیم با شیخیان، اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری نمود. در این بخش به طور عمده از سه تکنیک استفاده گردید که عبارت بودند از:

الف) مشاهدات میدانی

ب) مصاحبه در قالب گروه‌های متمرکز

ج) مطالعه موردی عمیق

به منظور ثبت هر چه بهتر و دقیق‌تر اطلاعات، از روش ضبط داده‌ها به وسیله ضبط صوت‌های دستی بهره گرفته شد. سپس اطلاعات به دست آمده از طریق روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. علاوه بر این سعی شد از تکنیک مشاهده جهت مطالعه اماکن مذهبی و سکونت گاه‌ها و نوع اشتغال اعضای این فرقه استفاده شود.

۲- مطالعات اسنادی

در این بخش با مراجعه به کتب تاریخی، گزارش‌ها و مطالعات انجام شده اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد.

۳- مصاحبه با افراد نمونه

در این بخش با ۲۳ تن از پیروان این فرقه مصاحبه‌های عمیق صورت گرفت و اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیروان شیخیه بررسی شد.

یافته‌های تحقیق

الف - عقاید شیخیه و اختلافشان با شیعیان اثنی عشری
مهم‌ترین موارد اختلاف عقیده شیخیه با عقاید شیعیان که با استخراج مطالب از منابع تاریخی صورت گرفته از این قرار است:

۱- معاد

معاد به عقیده شیعیان و دیگر پیروان مذاهب اسلام یعنی بازگشتن مردگان در روز قیامت جسمًا و روحًا. ولی شیخ احمد احسایی آن را فقط روحی می‌دانست و می‌گفت: چون حقیقت انسان همان روح است پس معاد هم روحانی است. او این روح را نوعی جسم بسیار لطیف به نام «هور قلیایی» می‌خواند. شیخ احسایی پس از آن که معاد را روحانی و با جسم هور قلیایی دانست، اصل معاد را مانند اصل عدالت

از ردیف اصول دین و مذهب نفی و حذف کرد؛ زیرا می‌گفت: اعتقاد به خدا و اصل نبوت و اعتقاد به قرآن و آن چه در آن است، مستلزم آن است که به معاد معتقد باشیم و لازم نیست معاد را اصلی از اصول دین به طور مستقل بدانیم. کسی که به آیات قرآن معتقد باشد به معاد هم الزاماً معتقد خواهد بود (مشکور، ۱۳۷۲: ۶۲).

۲- عدل

شیعیان دوازده امامی و پیروان مکتب معتزله صفت عدالت را از میان صفات دیگر خدا برگزیده و آن را اصلی از اصول مذهب و دین قرار داده‌اند، به ویژه شیعیان اهمیت بسیاری به اصل عدالت داده و آن را یکی از اصول مذهب شیعه شمرده‌اند. اما شیخ احمد احسایی و پیروانش اصالت صفت عدالت را از ردیف اصول مذهب نفی نموده و استدلال می‌کردند لزومی ندارد که صفت عدالت را از میان صفات دیگر او جدا کنیم و اصلی از اصول دین بشماریم. به این ترتیب باید صفات دیگر خدا را هم مانند علم، قدرت، حکمت و... را از اصول دین بشماریم (همان: ۶۳).

۳- رکن رابع

شیخ و پیروانش به جای نفی دو اصل معاد و عدالت از ۵ اصل مذهب شیعه اصل دیگری به عنوان رکن رابع (شیعه کامل) را بر اصول مذهب افزودند. رکن رابع واسطه، میان امام و خلق است و او باید از نجبا باشد که دین را حفظ کند و هر بدعث گذاری را دفع نماید. اگر حجت در عالم نباشد خلق مرتد می‌شوند و وقتی مرتد شدند نام خدا برده نمی‌شود و در نتیجه عنایات او از عالم مرتفع می‌شود.

شیخ احمد احسایی و پیروانش معتقدند: امام غایب در جسم و قالب «هور قلیایی» است و زندگی روحانی دارد و آزادی او مانند ما زندگان نیست بلکه به اراده

خداست و زندگی او نوعی زندگی برزخی در قالب مثالی، یعنی در جسم هور قلیایی است. بنابراین او در هنگام ظهورش در قالب خود ممکن است نباشد، بلکه در قالب شخص دیگری ظاهر شود. به عقیده شیخیان، شیعیان کامل در هر عصر و زمانی، مظہر او هستند و از این رو دارای عنوان «امام زمان» و واسطه میان امام غایب و خلقند (همان: ۷۳).

۴- امامت

از نظر شیعیان اگر حجت معصوم، خودش در میان خلق است که نور علی نور و خلق به هدایت او مهتدی می‌شوند ولی اگر غایب باشد خلق نمی‌تواند از او بهره مند شود و انتفاع ایشان از وجود امام، فرع دیدن و شنیدن سخنان او و شناختن اوست. منظور شیخیان از امام دو چیز است:

۱- امام معصوم که از آل محمد است.

۲- و حجتی که مطلق است یعنی پیشوای پیشوای است (همان: ۷۵).

۵- معراج

اصل معراج این است که پیامبر اسلام شبی گفت که خدا او را از خانه کعبه (مسجدالحرام) به مسجدالاقصی (بیتالمقدس) و از آن جا به سوی آسمان‌ها تا (سدره المنتهی) که نزدیک عرش قرار دارد برد و در همان شب به جایگاهش باز گردانیده است. به عقیده مسلمانان این گردش آسمانی و معراج جسمانی بوده، یعنی پیامبر با همان بدن به آسمان رفته است. آن‌ها داستان معراج را از ضروریات دین شمرده‌اند؛ یعنی کسی که از راه لجاج منکر آن باشد از اسلام بیرون است. اما شیخیان خلاف آن را می‌گویند: بدین معنی که می‌گویند معراج روحانی است؛ یعنی

روح پیامبر به آسمان رفته نه جسم او. محال است که انسانی با جسم عنصری آسمان‌ها را پاره کند و بالا رود (مشکور، ۱۳۷۲: ۷۸).

ب- ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی اقلیت شیخیه

جدول شماره ۱: پراکندگی جغرافیایی و تعداد جمعیت فرقه‌های مذهبی کرمان

نام فرقه	تعداد جمعیت	پراکندگی جغرافیایی
شیخیه	۱۵۰۰۰	کرمان - رفسنجان
زرتشیان	۱۵۰۰	کرمان
مسیحیان	کمتر از ۵۰	کرمان
دراویش	۵۰۰۰	کرمان - سیرجان - رفسنجان
کلیمیان	۷۰	کرمان
بهایان	۲۵۰۰	کرمان - رفسنجان
اسماعیلیه	۱۰۰۰۰	شهر بابک - سیرجان
اهل تسنن	۳۰۰۰۰	مناطق شرقی و جنوبی استان - ریگان - فهرج - روبار جنوب - قلعه گنج و منجان

(آمارهای موجود در استانداری کرمان، ۱۳۹۱)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود آمارها در مورد فرقه‌های شهر کرمان نشان می‌دهند که بعد از مسلمانان اهل تسنن، شیخیه بیش ترین تعداد پیرو را در میان فرقه‌ها و مذاهب این شهر دارد.

ج- نحوه تعاملات و ارتباطات شیخیه با مردم کرمان

یافته‌های حاصل از مصاحبه با سران و مردم عادی فرقه شیخیه و اسناد و مدارک نشان داد که موارد ارتباط شیخیه با کرمانیان تمامی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی را در بر می‌گیرد. برخی از آن‌ها عبارتند از:

- تجارت

- همسایگی

- ازدواج

- دوستی

- شرکت در مراسم مذهبی شیعیان اثنی عشری (ولادت‌ها، شهادت‌ها و ...)

۵- ویژگی‌های اجتماعی

برخی از ویژگی‌ها و شیوه زندگی اقلیت شیخیه در استان کرمان در زیر آمده

است:

- شیخیان احترام زیادی برای رهبر خود (سرکار آقا) قایل هستند و دلیل آن را استقلال مالی او ذکر می‌کنند. به نظر آن‌ها سر کار آقا املاک و مستغلات زیادی دارد و در آمدش وابسته به خمس و زکات نیست. به این خاطر دست به استثمار پیروانش نمی‌زند. او گاهی اوقات برای مراسم شادی و غم شیخیان حضور می‌یابد که همین امر موجب محبویت او شده است.

- مراسم عروسی، ساده است و مهریه کم تعیین می‌شود. فلسفه این امر جلوگیری از احساس حقارت کسانی است که توان اقتصادی کمی دارند. گرچه به اعتقاد شیخیان، در سال‌های اخیر تجملات در مراسم عروسی نیر به این فرقه راه یافته است.

- پوشش مردان کت و شلوار و کراوات است و زنان چادرهای فاخر و گران قیمت می‌پوشند که زیر گلوبیشن سوزن یا گیره می‌زنند و این گونه خود را از سایر زنان شهر متمایز نشان می‌دهند.

- سعی می‌شود دختران شیخی بعد از ۱۴ سالگی ازدواج کنند که البته در سال‌های گذشته امکان ادامه تحصیلشان فراهم شده و سن ازدواجشان بالا رفته است.

- زنان باید متأنیت خاصی در رفتارشان داشته باشند و همه نوع هنر کدبانو گری را یاد بگیرند.

- پسران بر عکس دختران می‌توانند درس بخوانند و شاغل باشند. به خصوص خانواده‌های ثروتمند سعی می‌کنند پسرانشان را به خارج از کشور بفرستند تا ادامه تحصیل بدهند.

- طلاق بسیار مذموم است و کمتر زوجی دست به چنین عملی می‌زند.

- خانه‌های آن‌ها اغلب ویلایی، بزرگ، معمولاً در بهترین و خوش آب و هوایترین مناطق شهر و اغلب با معماری مدرن ساخته می‌شوند. خیابان‌هایی که پیروان این فرقه در آنها ساکن هستند عبارتند از: زریسف، سلمان فارسی و سرباز. گرچه در سال‌های اخیر با گسترش شهر و هجوم طبقات بالا به مناطق حاشیه‌ای شهر پیروان ثروتمند این فرقه نیز به مناطق و خیابان‌های معروف و با ارزش قیمتی بالا نیز ورود پیدا کرده‌اند. خیابان‌هایی چون شفا، هزار و یک شب و امام جمعه. املاک و زمین‌های این خیابان‌ها بیشترین ارزش اقتصادی را در بین خیابان‌های شهر دارند.

ذ- دلایل همزیستی مسالمت آمیز کرمانیان با اقلیت شیخیه

۱- آب و هوای کرمان- باستانی پاریزی در کتابش «تاریخ کرمان» ذکر کرده است که آب و هوای گرم و خشک و کویری کرمان همواره موجب می‌شد که گروه‌های مختلف با قومیت‌های گوناگون در این محل به همزیستی مسالمت آمیز پردازند.

مردم کرمان ترجیح دادند که با شیخیه ارتباط و مبادلات اقتصادی داشته باشند تا با آن‌ها بستیزند. باستانی پاریزی در کتابش به این نکته اشاره کرده است: «محیط اجتماعی و جو سیاسی در طول تاریخ که منبع از جو طبیعی و محیط زیست کرمان بوده، همیشه مردم آن را ملزم به همزیستی و سازگاری کرده؛ زیرا نبرد با طبیعت بی امان و آماده کردن وسایل حیات و زیست انرژی آن‌ها را صرف خود کرده و از برخوردهای قومی و تعصبات مذهبی و قید و بندهای اجتماعی بر حذر داشته است. بنابر این همه آن‌ها این شعار را ورد زبان خود ساخته می‌گفتند: «عیسی به دین خود، موسی به دین خود، هر کس به گور خودش می‌خوابد.» کرمانیان همگی دسته جمعی گبر و مسلمان و یهود دست به کمر می‌زدند و قنات آباد می‌کردند و خلاصه کاری می‌کردند که بشود با حدائق بارندگی یعنی سالی ده دوازده سانتی متر مکعب به نوعی زندگی کرد. این یک اجتماع کرمانی بوده است (bastani parizzi, ۱۳۸۱: ۶۵). باستانی پاریزی همچنین عبارتی را تحت این عنوان بیان می‌کند:

«بگذارید یک جوری زندگی کنیم. این گفته‌ها و اشعار به خاطر طبیعت خشن طوفانی کرمان و بیابان‌های دراندشت و بادهای مد و خشکسالی‌های پی در پی است که براین شهر تحمیل شده است» (همان: ۶۵).

- تاریخ حکومت‌ها در کرمان - از زمان آغامحمد خان قاجار مردم کرمان آموختند که با غریبه‌ها به خصوص اگر از خودشان هم فاضل ترند کنار بیایند؛ زیرا تجربه تلخی از حمله این شاه بر کرمان داشتند (همان: ۵۲).

اما چرا کرمانیان تا این اندازه نجیب و سر به زیر بودند. کاتوزیان می‌گوید: «تعدی حکام در کرمان از همه جای ایران بیشتر و بالاتر بود. چه بسا به واسطه بعد مسافت کرمان از مراکز حکومت و نرسیدن فریاد بیچارگان به گوش اولیای امور و نجابت و سر به زیری کرمانیان بیشتر مورد تعدی و تجاوز می‌گردید. «البته به نظر باستانی پاریزی پاسخ به این سؤال را باستی در تحولات کرمان سده ۱۳ هجری جستجو کرد؛ چون در آغاز این قرن آغا محمدخان قاجار برای خشکاندن آخرین ریشه‌های قدرت زندیه و تعقیب لطفعلی‌خان زند، کرمان را عرصه شور محشر و آشوب اکبر قرار داد. پس از آغا محمدخان قاجار، رقابت حکمرانان کرمان موجب فقر و فلاکت ناشی از حضور انگلیسی‌ها شد و باعث شد نخستین ندای آزادی خواهی پیش از مشروطه از کرمان پا خیزد و در روند نهضت مشروطه تأثیر گذارد. بنابراین باید بیش از هر چیز حوادث کرمان را با توجه به سرچشمه‌های قدرت و رقابت گرایی حکمرانان کرمان بررسی کنیم (همان: ۲).

۳- حمایت سیاسی - ابراهیم خان ظهیرالدوله عمومزاده و داماد فتحعلی‌شاه سر دودمان خاندان ابراهیمی کرمان بود و ارادت خاصی به شیخ احمد احسایی داشت. به همین خاطر زمینه حضور شیخ را در کرمان فراهم آورد (مشکور، ۱۳۷۲: ۱۳۴).

۴- رونق مکاتب و تعلیمات مذهبی در کرمان - وجود علماء و صاحب‌نظران مذهبی در کرمان و علاقه ایشان به شیخ احمد احسایی و حضور آن‌ها در محضر او جهت طلب علم و معرفت و مناظره موجب رشد این فرقه در کرمان شد؛ به طوری که ملاحسن مجتهد کرمانی که مرتب بین یزد و کرمان در رفت و آمد بود، شیخ را به کرمان دعوت کرد و شعر و عرفایی چون ملابمانعلی راجی کرمانی و آقا محمد کلامدوز

ارادت خود را به شیخ ابراز داشتند. استقبال وسیع از شیخ او را به اسکان در این شهر بیشتر متمایل کرد.

۵- امکان رشد صوفیه، عرفان و حضور اخباریون در کرمان- قدرت و استبداد حکام کرمان موجب پیشه کردن سیاست عزلت و گوشگیری و تبدیل شدن این شهر به محلی برای تبادل نظر و مناظره روحانیون مذهبی و در نهایت رشد فرقه‌ها و گروه‌های مذهبی شد (بی‌نا، ۱۳۸۵: ۳).

۶- ثروت زیاد شیخیه - دلیل این ثروت دارا بودن املاک و مستغلاتی بوده که سران این اقلیت از نوء فتحعلی شاه به ارث برده بودند. این ثروت گاهی اوقات توسط رهبران این اقلیت وقف می‌شده مثلا سید کاظم رشتی بخش عمدہ‌ای از ثروت خود را بین مردم بخشش می‌کرد و با این عملش منزلتی بین اکثریت به دست می‌آورد. البته بخش زیادی از این ثروت پس از انقلاب مصادره شد و در اختیار بنیاد مستضعفان و جانبازان قرار گرفت (مشکور، ۱۳۷۲: ۱۳۷).

۷- ظاهر آراسته و پاکیزگی شیخیه- در روابط اجتماعی شان با مردم کرمان موجب می‌شود حتی شیعیان اثنی عشری از حضور آنها در شهرشان راضی باشند و به آنها بپالند.

۸- شباهت در افکار و عقاید مذهبی شیخیه با مردم کرمان- آنها به لحاظ مذهبی تنها در چند مورد جزئی با شیعیان متفاوتند که این امر برای اکثریت قابل قبول می‌باشد.

۹- حضور اماکن و نهادهای مذهبی- این اقلیت در مناطق مختلف شهر که به حضور و اعمال مذهبی آنها رسمیت می‌بخشد.

- ۱۰- حضور این فرقه در مراسم مذهبی شیعیان اثنی عشری (ولادت‌ها، شهادت‌ها و اعیاد و...) که نشان دهنده شباهت نگرش‌ها و عقاید این عده با اکثریت است.
- ۱۱- ازدواج برون گروهی - گرچه شیوه غالب ازدواج این گروه درون گروهی است، ولی اخیرا ازدواج برون گروهی نیز بین آن‌ها مشاهده می‌شود. در حالی که این نوع ازدواج در بین زرتشتی‌ها، مسیحی‌ها، یهودیان و بهائیان کرمان بسیار نادر است. همین امر موجب کاهش فاصله اجتماعی و زندگی مسالمتآمیز آن‌ها با اکثریت شده است.
- ۱۲- اسکان این گروه در بهترین مناطق شهر به لحاظ قیمت منزل مسکونی، مساحت و زیر بنای محل سکونت که حاکی از توانایی خرید و ثروت این قشر است.
- ۱۳- نزدیکی محل سکونت شیخیه به مساکن کومنیان که حاکی از پذیرش آن‌ها در دل مردم این شهر است. کومنیان هرگز نخواسته‌اند آن‌ها را به صورت «گتو» در آورند یا سیاست جدایی گزینی در موردشان اتخاذ کنند.
- ۱۴- وجود نخبگان و سرشناسان شهر کرمان از بین این قشر مانند مشهورترین پزشکان، بازرگانان، استادید دانشگاه و روحانیون موجب افزایش شان و منزلت این قشر در شهر کرمان شده است.
- ۱۵- سرمایه گذاری این گروه در بخش‌های عام المنفعه مانند تأسیس درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها. ایجاد سه بیمارستان خصوصی شهر کرمان که قادر مورد نیازشان را غالباً از بین شیخیان تأمین می‌کنند و کیفیت بسیار مطلوبی دارند محبوبیت این فرقه را در شهر دو چندان نموده است.

- ۱۶- اعتقاد به مهدویت و منتظر ظهور امام زمان بودن بیشتر از سایر مسلمانان. گفته می‌شود که حتی در عراق عده‌ای از شیعیان، شیخی هستند و در انتظار ظهور امام زمان. نزدیکی این اعتقادات به غیر شیخیان آن‌ها را محبوب ساخته است.
- ۱۷- اشتغال این گروه به کشاورزی و بازرگانی به عنوان مشاغل کار آفرین برای مردم کرمان و شهرت آنان به این امر.
- ۱۸- اعتقاد به نایب امام زمان در زمان غیبت او (رکن رابع یا شیعه کامل) که در بین سایر شیعیان ولی فقیه نامیده می‌شود (مصاحبه با پیروان فرقه شیخیه کرمان).
- ۱۹- بدل و بخشش و موقوفات سران شیخی برای مردم کرمان در سال‌هایی که جنگ سختی بین شیخیه و شیعیان بالا سری وجود داشت اعتبار آن‌ها را در شهر افزایش داده است.
- ۲۰- قحطی و خشکسالی از سال ۱۲۹۴ هجری به بعد در کرمان و نقش حاج محمد کریم خان در تأمین نان و گوشت و سایر اجنباس مورد احتیاج مردم و به دست آوردن قلوب آن‌ها. همین امر موجب کاهش اختلاف و جنگ‌ها بین این دو گروه شد و زندگی مسالمت‌آمیزی را بین آن‌ها فراهم کرد (مشکور، ۱۳۷۲: صص ۲۵۷-۲۵۴).

هـ - حقوق سیاسی - اجتماعی اقلیت‌ها و وضعیت شیخیه در این رابطه اعلامیه حقوق افراد، ملیت‌ها و اقلیت‌های قومی و مذهبی و زبانی در جلسه عمومی سازمان ملل در دسامبر سال ۱۹۹۲ تکمیل شد. ماده دوم این اعلامیه بر پایه تصمیم سال ۱۹۶۷ این حقوق را چنین شرح می‌دهد:

- ۱- افراد متعلق به ملیت‌ها و اقلیت‌های قومی و زبانی حق دارند از فرهنگ خود لذت برد و آزادانه و بدون دخالت یا تبعیض بدون آن که ترس به خود راه دهند، در خلوت یا ملا عام به اجرای مراسم مذهبی خود و صحبت کردن به زبان مادری پیردازند (www.Iranjewish.com). در این خصوص شیخیه در کرمان آزادی تام دارند.
- ۲- افراد اقلیت‌ها ذی حق‌اند که فعالانه در فعالیت‌های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و زندگی روزمره شرکت کنند (همان). در این مورد نیز شیخیه می‌توانند به راحتی به فعالیت در عرصه اجتماع پیردازند.
- ۳- افراد اقلیت مختارند فعالانه در تصمیمات گروهی یا قومی در سطح ملی، هر کجا اقتضا کند یا در منطقه محل زندگی شان حتی به ترتیبی که با قوانین کل کشور ناسازگار باشد شرکت کنند. در مورد این ماده نیز شیخیه آزادند و تاریخچه فعالیت‌های آن‌ها در کرمان نشان می‌دهد که آن‌ها چه در گذشته و چه در حال حاضر می‌توانند کاندید و نماینده انتخابات صنفی، ملی و سیاسی شوند.
- ۴- افراد اقلیت حق دارند سازمان‌ها و تشکلات خود را به وجود آورند و در آن‌ها عضو شوند. شیخیه در کرمان به آسانی می‌توانند تشکل مذهبی رسمی داشته باشند. علاوه بر این آن‌ها جلسات هفتگی و ماهیانه‌ای به صورت گردهم آیی دارند و مشکلات خود را در آن گردهمایی حل می‌کنند.
- ۵- افراد اقلیت‌ها مختارند که آزادانه و بدون احساس هر گونه تبعیض با اعضای هم گروه و قوم خود یا اقلیت دیگر حتی با گروه‌های هم زبان و هم مذهب در کشورهای دیگر ارتباط برقرار کنند (همان). از این منظر نیز شیخیان آزادی کامل دارند.

و- ستم به اقلیت‌ها و موضوع شیخیه در این رابطه گروه اکثریت همواره ستم‌هایی نسبت به گروه اقلیت روا می‌دارد که عبارتند از: نابودی فیزیکی مانند نابودی یهودیان در جنگ جهانی دوم و کشتار کردها توسط دولت عراق.

اصلاح خطوط مرزی مانند تغییر مرزهای لهستان به سوی غرب که ۲ میلیون نفر لهستانی را مجبور به اقامت در سوریه کرد. جابجایی اقلیت‌ها که شامل جابجایی و راندن اقلیت‌ها در داخل و یا خارج از یک کشور می‌شود.

معاوذه اقلیت‌ها مانند سیاست‌های شوروی، لهستان و چکسلواکی مبنی بر تعویض مقابله اقلیت‌هایشان بعد از جنگ جهانی دوم.

- ستم‌های اقتصادی - اجتماعی

شایع‌ترین تعیض‌ها در جهان این نوع ستم‌ها هستند که شامل:

- تعیض در کسب شغل و تحصیلات

- تعیض در کسب مسکن

- ستم احساسی (تحقیر و توهین)

- ستم سیاسی (کنارگذاشتن اقلیت از مشارکت سیاسی)

اما جدای از همه تعیض‌ها پر مخاطره‌ترین ستم‌ها نسبت به گروه‌های اقلیتی را می‌توان در سه مورد خلاصه کرد:

۱- همانند سازی (از بین بردن هویت و فرهنگ گروه قومی) این مورد خود شامل:

- همانند سازی شخصی

در این نوع ستم، فرد اجبارا خود را همنگ جماعت می‌کند؛ مانند یادگیری زبان توسط مهاجران.

- همانند سازی گروهی

این مورد تنها در ایران دیده شده است. نمونه آن حمله مهاجمین عرب به ایران و هضم شدنشان در فرهنگ ایرانی می‌باشد.

- همانند سازی متعدد

فشار نهادهای دولتی بر اقلیت‌ها مانند فشارهای اقتصادی و فرهنگی، جلوگیری از مشاغل و ... به این نوع همانند سازی مربوط است.

۲- نسل بر اندازی

در این شیوه سلب حق حیات گروههای بشری، جابجایی اجباری و جلوگیری از توالد و تناسل یک قوم اتفاق می‌افتد.

۳- فرهنگ زدایی قومی

شامل از بین بردن روح و فرهنگ قومی و از بین بردن نهادهای سنتی متعلق به یک قوم می‌شود. مانند حضور سرخ پوستان و سیاه پوستان در آمریکا و تحمیل زبان اکثریت بر زبان محلی آن‌ها. تحمیل زبان اکثریت بر اقلیت خود شامل:

- روش سنتی (ممنوع ساختن، جاسوس گماشتن و کیفر دادن سخنگویان زبان محلی)

- روش نوین (آموزش اجباری زبان با حضور در مدارس و دانشگاه‌ها)

- روش روان شناسانه (تحقیر زبان محلی)

به نظر می‌رسد که وضعیت فرقه شیخیه در ایران هیچ کدام از این ستم را در بر نمی‌گیرد. البته برخی از شیخیان در مصاحبه‌ها به وجود ستم‌های اقتصادی و اجتماعی

هم‌چون گزینش در زمان تحصیل و شغل اشاره نموده‌اند. اما به نظر می‌رسد این ستم‌ها چندان مشکل ساز نبوده‌اند و اقلیت‌های فرقه‌ای بر عکس اقلیت‌های قومی در ایران از وضعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی برخوردار هستند.

شیخیه به عنوان فرقه‌ای مذهبی

برایان ویلسون^۱ (۱۹۷۰) فرقه را یک هم گروهی داوطلبانه با ادراک شدیدی از هویت نفس می‌داند. فرقه همه کس را به درون خود نمی‌پذیرد و اعضاش را از نخبگانی به شمار می‌آورد که حقیقت، تنها در دست آن‌هاست. فرقه از جامعه بزرگ‌تر جداست و اغلب با مذهب رسمی موجود مخالف است. معیارهای خاصی برای رفتار اعضای فرقه وجود دارند و رعایت نکردن جدی یا دائمی این معیارها ممکن است باعث طرد عضو فرقه گردد. رویه‌های خاصی نیز برای اخراج اعضای فرقه وجود دارند. پاییندی یک عضو فرقه همیشه کامل‌تر از یک فرد ناوابسته به فرقه است و او همیشه وابستگی مذهبی بیش‌تری از خود نشان می‌دهد (همیلتون، ۱۳۸۱: ۳۵۴).

ویژگی‌های فرقه در تئوری‌های جامعه شناسی

بنابراین باور جامعه شناسان دین پژوه، تمامی ادیان در طول حیات تاریخی خویش، مراتب و مراحل نسبتاً همسانی را طی کرده‌اند. یعنی همه ادیان در آغاز مجموعه تعالیم و تجربیات باطنی خالصی بودند که از گروه پراکنده‌ای از پیروان و پاره‌ای آداب ساده تشکیل می‌شدند. با گسترش اجتماعی دین و کشیده شدن پای آن به

^۱ - Brian Wilson

عرصه‌های متنوع حیات اجتماعی، گونه‌ای انساط ساختی-کارکردی در آن‌ها به وجود آمد و سپس به سمت ساختار دینی متکی بر سازمان و تشکیلات دینی خاصی با نظام باوری و رفتار قالبی معینی متحول شدند و این وضعیت تا بروز شرایط نوین در زیر ساخت‌های اجتماعی همچنان پایدار بود تا اینکه با بروز تغییرات زیر ساختی در جامعه نیاز به تغییر و دگرگونی در دین و حتی نهادهای اجتماعی و سلسله مراتب دینی منبعث از آن رخ نمود. پس از این مرحله است که تمایلاتی از سوی پیروان ادیان یا گروهی از آنان برای «قرائتی» تازه و سازگار با اجتماعی نوین از دین رخ می‌نماید که عموماً با مقاومت‌های گسترده‌ای از سوی اربابان ادیان مواجه می‌شود. در این مرحله تمایلات انتقادی به اعتراض (Protest) تبدیل می‌شود و شرایط اولیه برای پیدایش یک فرقه جدید فراهم می‌آید. حال اگر معتقد‌ضان بتواند به جنبه‌های نظری (თئوریک) عوامل و عناصر تمایز بخش سامان بخشدند و ساز و کارهای عملی را برای تداوم حیات اجتماعی خویش بکار بندند ادامه حیات آنان مسیر و فرقه دینی (Sect) ظهور پیدا می‌کند (اکبری، ۱۳۸۱: ۲).

در بررسی‌های تئوریک، موضوع مهم این است که آیا شیخیه یک فرقه است؟ و یزگی‌های آن کدام است؟

۱- از دید ویر^۱، کاریزما به رهبر فرقه نسبت داده می‌شود، ولی در کلیسا یا نهاد مذهبی کاریزما به یک سمت مذهبی گفته می‌شود. بعد از چند رهبر کاریزما، رهبری از فرد به سمت اختصاص می‌یابد و پس از چند نسل اقتدار کاریزماتیک جایش را به اقتدارستی و قانونی- عقلایی می‌دهد. در مورد اقلیت شیخیه دیده می‌شود که

^۱ - Max Weber

رهبران اولیه چون شیخ احمد احسایی و کاظم رشتی اقتدار فرهمندانه داشتند؛ اما این اقتدارها به صورت اقتدار سنتی درآمد و از پدر به پسر منتقل شد، اما هرگز به قانونی عقلایی تبدیل نشد.

۲- ترولش^۱ بین نهاد مذهبی و فرقه تمایز قائل می‌شود. از نظر او نهاد مذهبی خواهان تسلط بر سراسر زندگی انسان است، ولی فرقه تنها خواهان کمال درونی است و هدف‌ش تماس مستقیم بین اعضا‌یاش است. فرقه نسبت به جهان، دولت و جامعه بی تفاوت و یا مخالف است. فرقه هر گونه تسلط بر جهان را رها می‌کند. شیخیه به عنوان یک اقلیت مذهبی همواره به دنبال تزریق نفس است تا حکومت کردن بر زندگی انسان‌ها.

۳- فرقه معمولاً از طبقات پایین یا از قشرهایی بر می‌خیزد که احساس می‌کنند جامعه یا دولت در حق آن‌ها ستم کرده است. شیخیه در ابتدای امر از علمای مذهبی عالی مقام و مردم طبقات پایین تشکیل شده بود ولی در حال حاضر شامل طبقات بالا و سرآمدان و نخبگان جامعه کرمان است.

۴- فرقه‌ها گرچه پاییند آرمان‌های اولیه هستند، اما نقش مهمی در از هم گسیختگی نظم اجتماعی درون مذهب مسلط دارند. شیخیه چنین وضعی دارد؛ یعنی گرچه اصولش شبیه دین اسلام است، اما دین اسلام آن را شعبه و فرقه‌ای جدای از جامعه بزرگ‌تر می‌داند.

۵- فرقه‌ها همیشه به نقش نهاد مذهبی در یاری رساندن به دولت و پیش بردا منافع طبقات حاکم حمله می‌برند. به این خاطر ترولش فرقه‌ها را در «جنبشهای

^۱ - Ernest troeltsch

اعتراض آمیز» می‌داند. اما این امر در مورد شیخیه صادق نیست. در واقع آن‌ها به هیچ وجه خود را درگیر دولت و انتقاد از عملکرد او نمی‌کنند.

۶- از نظر نیوهر^۱ ریاضت جویی فرقه‌ای غالباً وضعیت مالی بهتری را برای برخی اعضا فراهم می‌کند و همین امر آن‌ها را در جهت تعلقات دنیوی سوق می‌دهد و بر اثر تحرک اجتماعی اعضای فرقه، سرانجام به سازمان‌های طبقه متوسط تبدیل می‌شوند. در مورد شیخیه وضعیت به این شرح است. در واقع آن‌ها از وضعیت در آمدی خوبی بر خوردارند و اغلب‌شان به طبقه متوسط بالا وابسته هستند.

۷- از نظر نیوهر فرقه کلیت گرانیست و نمی‌خواهد همه افراد جامعه را در خود ادغام کند. فرقه اساساً یک تشكل مذهبی و سبک عبادت محترمانه و وابسته به طبقه متوسط است. این گروه روحانیت جداگانه‌ای دارد و هدفش رستگاری شخصی است و رفتارش معمولاً با رواداری و هم زیستی با گروه‌های مذهبی دیگر همراه است و نه مخالفت با آن‌ها (همیلتون، ۱۳۸۱: ۳۵۵).

۸- به اعتقاد لیستون پاپ^۲ (۱۹۴۲) وقتی جمعیت فرقه افزایش می‌یابد این تصور پیش می‌آید که می‌تواند نفوذ بیشتری در اجتماع برای خود به دست آورد و همین امر غالباً اعضای فرقه را به رویگردنی از رویکردهای فرقه‌ای تر و روی آوردن به نظرهای آشتی جویانه‌تر و تطبیق گرایانه‌تر می‌کشاند. بر اثر این وضع، فرقه هواداران مرفه‌تری را به خود جلب می‌کند و در نتیجه ترکیب اجتماعی اش تغییر می‌کند. اما به هر حال آن‌هایی که نفوذ بیشتری کسب می‌کنند احتمالاً فرقه را ترک می‌گویند و به وابستگی‌های مذهبی مورد پذیرش اجتماع بزرگ‌تر روی می‌آورند (پاپ، ۱۹۴۲)

¹ - Reinhold Niebuhr
² - Liston pop

به نقل از همیلتون: ۳۵۵). در مورد شیخیه وضع چنین است؛ یعنی جمعیت آن‌ها در سال‌های گذشته افزایش یافته، ازدواج‌های برون گروهی رشد پیدا کرده و اختلاط بیشتری صورت پذیرفته است. همین مسئله موجب شده که آن‌ها به نظرهای آشتی جویانه‌تر و تطبیق گرایانه‌تر گرایش پیدا کنند و ترکیب اجتماعی شیخیه تغییر پیدا کند.

۹- مهم‌ترین ویژگی که لیستون برای فرقه تشخیص می‌دهد جدایی و تمایز آن از سازمان‌های مذهبی دیگر و ادعای انحصار حقیقت از سوی فرقه است. شیخیه معتقد سرسخت پیشوای در حقیقت است و به دلیل اعتقاد به ۴ اصل دین، این انحصار طلبی در حقیقت شدت پیدا می‌کند.

۱۰- ورنر استارک^۱ موضوع تکثر گرایی مذهبی را مطرح می‌کند. مسئله اصلی او این است که چرا برخی جوامع بسیار بیشتر از جوامع دیگر گرایش به انشعاب فرقه‌ای داشته‌اند؟ از دید او فرقه گرایی زمانی رخ می‌دهد که مرزهای صلاحیت نهادهای مذهبی چون کلیسا با مرزهای صلاحیت دولت انطباق پیدا کند. یعنی زمانی که یک کلیسای ملی، کلیسای ثیت شده گردد. هرگاه حوزه صلاحیت کلیسا گسترده‌تر از حوزه صلاحیت دولت ملی شود یا کلیسا به یک کلیسای جهانی تبدیل شود، مصالحه و سازگاری با مراجع دنیوی کمتر از مورد کلیسای ملی می‌شود. این مصالحه به مخالفت می‌انجامد و همین امر انشعاب فرقه‌ای به بار می‌آورد.

۱۱- به اعتقاد استارک و بین برعیج گرایش به انشعاب فرقه‌ای ناشی از این واقعیت است که عضویت در هر سازمان مذهبی خواه ناخواه با نوعی تمایز درونی

همراه است. مهم‌ترین این تمایزها مبتنی بر دو دستگاهایی است که میان دارا و ندارها و قدرتمندترها و کم قدرت‌ترها پیش می‌آید. زیرا آن‌ها از نظر پاداش‌هایی که در جامعه و سازمان مذهبی‌شان به دست می‌آورند با هم تفاوت دارند. جنبش‌های فرقه‌ای از چنین کشمکشی سرچشمه می‌گیرند. به عبارت دیگر جنبش‌های فرقه‌ای انسعبایی، زمانی رخ می‌دهند که اعضای به نسبت محروم تصور کنند که منافع احتمالی جدایی از سازمان مذهبی جا افتاده از خسارت‌های احتمالی آن بیش‌تر است. پس فرقه گرایی باید در جوامع قشر بندی شده‌تر رواج بیش‌تری داشته باشد. تاریخچه شیخیه و چگونگی شکل‌گیری اش توسط نخبگان مذهبی و گرویدن محرومان به این خاطر است.

۱۲- استارک و بین برجی از اصطلاحات تنازع، جدایی و تفاوت در مورد فرقه بهره می‌گیرند. به نظر آن‌ها یک گروه از اعضای سازمان مذهبی به نفع خود می‌بینند که خودشان را با محیط اجتماعی پیرامون تطبیق دهند، حتی اگر برخی از اعضای خواستار این هستند که سازمان به درگیری با جامعه بزرگ‌تر پردازد. نفع اقلیت شیخیه در کرمان نه در تضاد بلکه در همزیستی مسالمت‌آمیز است.

۱۳- به اعتقاد استارک و بین برجی اسقف یک فرقه بودن از کشیش ساده یک روستا بودن در یک سازمان مذهبی بزرگ و با حیثیت، بهتر است و اهمیت بیش‌تری دارد.

۱۴- اگر دگرگونی اجتماعی سریع باعث و خامت اوضاع برخی از اعضای سازمان‌های مذهبی شود، انشعاب فرقه‌ای برانگیخته می‌شود. در واقع این اعضای ترک سازمان مذهبی چیزی بیش‌تر از ماندن در آن به دست می‌آورند؛ به طور مثال

ثبتات نسبی جوامع کاتولیک در مقایسه با پروتستان عاملی است که غیاب فرقه‌گرایی در کشورهای کاتولیک را شرح می‌دهد و فرقه‌گرایی در روسیه و انگلستان که کلیساهای آن‌ها اتحاد فیزیکی با دولت دارند بیشتر رواج دارد.

۱۵- رهبران فرقه‌ها همیشه از عناصر مذهبی پیشین بدگویی نمی‌کنند و نمی‌کوشند در آن‌ها دستکاری نمایند. رهبران شیخیان نیز تغییر اساسی در مذهب اسلام ایجاد نکردند، بلکه تنها اصلاحاتی در آن پدید آورdenد.

۱۶- از نظر استارک و بین بریج کشمکش بین فرقه و مذهب ممکن است در یک جامعه چهار پیامد داشته باشد:

(۱) نیروها همدیگر را تعدیل کرده و در نتیجه گروه مذهبی، وحدت و انسجام خود را در سطح تنش متوازن با جامعه حفظ خواهد کرد.

(۲) گروه مذهبی دو بخش می‌شود یکی به سوی کلیسا و دیگری به سمت فرقه حرکت می‌کند.

(۳) بخش قدرتمند تسلط می‌یابد و گروه مذهبی در جهت کلیسا حرکت می‌کند. این الگو در سراسر جهان رواج دارد.

(۴) اکثریت به نسبت ناراضی در سوق دادن گروه مذهبی به سوی فرقه توفیق می‌یابد؛ اما این رخداد بسیار نادر است و به شرایط خاصی نیاز دارد (همیلتون، ۱۳۸۱: ۳۵۵-۳۳۹).

در مورد شیخیه تا کنون مورد اول رخ داده است و آن‌ها سعی کرده‌اند به وحدت با کل جامعه گرایش نشان دهند تا تضاد با آن.

بحث و نتیجه گیری

اقلیت یا گروه اقلیت، یک مفهوم جامعه شناسی است. گروه اقلیت گروهی است که اعضای آن توسط دیگران مورد تبعیض قرار می‌گیرند و در وضع نامناسب‌تری قرار دارند. اعضای گروه‌های اقلیت نوعی حس همبستگی گروهی و احساس تعلق به یکدیگر دارند؛ در نتیجه احساس وفاداری و علایق مشترک بین آن‌ها معمولاً زیاد است. اعضای گروه اقلیت، معمولاً تا اندازه‌ای از اجتماع بزرگ‌تر جدا هستند و در محلات، شهرها یا مناطق خاصی از کشور متumerکرند. ازدواج میان گروهی بین کسانی که در گروه اکثریت هستند با اعضای گروه اقلیت بسیار اندک است. افراد گروه اقلیت ممکن است به طور جدی به ازدواج‌های درون گروهی اعتقاد داشته باشند. اعضای گروه اقلیت عموماً سهم کم‌تری از مزیت‌های اجتماعی چون قدرت، ثروت و احترام دارند. اقلیت‌های مذهبی نیز گروهی هستند که به مذهبی غیر از مذهب اکثریت اعتقاد دارند و به این دلیل از مزایای نابرابر با اکثریت بهره‌مند هستند. یهودیان در آلمان و مسلمانان در بریتانیا نمونه‌های اقلیت دینی هستند (گیدنر، ۱۳۷۶: ۲۳۸). کشور ایران انواعی از گروه‌های قومی و مذهبی را در خود جای داده است. در حقیقت تنوع دینی، مذهبی و قومی وجود خرد فرهنگ‌های متفاوت از ویژگی‌های جامعه ایران به شمار می‌رود. اما اقوام مختلف ایرانی به رغم تفاوت‌های مختلف زیر چتر ایرانی بودن در طول تاریخ، ملت و سرزمینی متحد بوده‌اند. گرچه بحران‌های ناشی از جنگ تحمیلی هشت ساله و فعالیت گروهک‌های ضد انقلاب در مناطق محروم، شکاف‌ها و محرومیت‌های اقتصادی، طی دو دهه اخیر زمینه ساز پیدایش برخی چالش‌های قومی و مذهبی در

ایران شده است، اما اسناد تاریخی این حقیقت را ثابت می کند که حتی قبل از ورود اسلام به ایران، مردم ایران زمین مردمی متدين، خداپرست و فرهیخته بوده و اقوام مختلف در این سرزمین با یکدیگر زندگی مسالمت آمیز داشته اند. بر اساس برخی تفاسیر قرآن کریم کوروش کبیر، پادشاه هخامنشی همان ذوالقرنین قرآنی است که صاحب رفتار، کردار و منش الهی و کریمانه نسبت به سایر اقوام بود.

«هرودوت»^۱ مورخ یونان باستان نیز در خصوص تنوعات فرهنگی و اجتماعی و تاریخی سرزمین ایران می نویسد: «چهل و نه گونه مردمان از نژادها و اقوام مختلف به صورت فدراتیو با آزادی انتخاب دین، مذهب، روسای محلی و مؤسسات مربوط به آن در این سرزمین زیسته اند».

در همین رابطه «ویل دورانت»^۲ می گوید: «یکی از ارکان سیاست و حکومت هخامنشیان آن بود که برای ملل مختلف و اقوام گوناگون آزادی عقیده دینی و عبادات قائل بودند و ملل ساکن امپراتوری، زبان، مذهب و حتی نهادهای سیاسی و اجتماعی خود را محفوظ نگه می داشتند».

به تعبیر «کنت دو گوییتو»^۳ فرانسوی نیز: ایرانیان مردمی هستند که با ما تفاوت فاحشی دارند، آنان از پیوند نژادهای مختلف به وجود آمده اند ولی هویت خود را نگه داشته اند. این قوم اندیشه ها و منافع خود را به هم پیوسته و همانند یک تن به هم تنبیده اند. به نحوی که هر یک از آن تار و پود می تواند کشیده و دراز شود بدون آن که به هم گره بخورند. احساس مشترک بخشی مهم از میراث اخلاقی ایرانیان را تشکیل می دهد.

¹ - Herodotus
² - William James Dourant

وجود تنوع و تفاوت های قومی و مذهبی اجتماعی در ایران، ضرورت سیاست قومی و مدیریت سیاسی و مذهبی خردمندانه و منطقی را پیش از پیش ایجاد می کند. گرچه در حال حاضر نیز برخی از همین سیاست‌ها ارتقای رضایتمندی شهروندان را در استان‌های مختلف کشور مبتنی بر همزیستی برادرانه و صمیمی اقوام و پیروان مذهب و ادیان گوناگون فراهم آورده است یکی از این نمونه‌ها حضور و حیات اقلیت شیخیه در استان کرمان می‌باشد که در بین اقوام و فرقه‌های مذهبی در ایران موقعیت منحصر به فردی دارد. شرایط زندگی ایشان در این شهر گواهی بر همزیستی مسالمتآمیز مردم این شهر با ایشان و مصدقی از شواهد تاریخی در مورد تنوعات و مدارای گروه‌های قومی و مذهبی ایران می‌باشد.

شیخیه از جمله اقلیت‌های فرقه‌ای است که در قرن ۱۳ هجری در ایران ظهرور گرد. رهبر این فرقه شیخ احمد احسایی قصد داشت فرقه‌ای تأسیس نماید تا به اختلافات اصولیون و اخباریون در استنباط احکام پایان دهد. این فرقه که زیر مجموعه‌ای از شیعه دوازده امامی است به ۴ اصل دین اعتقاد دارد: توحید، نبوت، امامت و رکن رابع. آن‌ها دو اصل (عدل و معاد) را از اصول دین خارج کردند و مدعی انحصار حقیقت شدند. بیشتر طرفداران این فرقه در شهر کرمان زندگی می‌کنند و جمعیتی حدود ۷٪ این شهر را به خود اختصاص داده‌اند. این جمعیت علاوه بر کرمان در لنگر ماهان و شهرستان‌های رفسنجان و سیرجان نیز حضور دارند. بنابراین جمعیتی حدود ۱۵۵۰۰ نفر را شامل می‌شوند. مسجدی جداگانه برای خود در کرمان دارند و مراسم مذهبی خود را در آنجا برگزار می‌نمایند. کشاورزی، تجارت و فروشندگی از جمله فعالیت‌های اقتصادی این گروه است. در زمینه

تجارت، همسایگی، ازدواج، دوستی و شرکت در مراسم مذهبی با شیعیان اثنی عشری تعامل و ارتباط تنگاتنگی دارند. رهبر آن‌ها ملقب به (سر کارآقا) می‌باشد که شخصیتی کاریزماتیک است. وضعیت اقتصادی این گروه مطلوب و غالباً در بهترین نقاط این شهر ساکن می‌باشند. دختران معمولاً در سن پایین ازدواج می‌کنند و بایستی همه نوع هنر کدبانوگری داشته باشند. پسران اما می‌توانند حتی برای ادامه تحصیل به خارج از کشور سفر نمایند.

آب و هوای گرم و خشک کرمان، نزدیکی شهر یزد به کرمان و حضور اولین شیخی‌ها در آنجا و سپس انتقالشان به کرمان، علاقه دیرینه مردم کرمان به روحانیان مذهبی، وجود ابراهیم خان ظهیرالدوله والی عصر فتحعلی‌شاه به عنوان حامی اصلی شیخیه و قدرت استبداد حکام کرمان و امکان رشد صوفیه و فرقه‌های گوناگون در کرمان موجب رشد این فرقه در شهر کرمان شد. از سوی دیگر بررسی استناد و مدارک تاریخی، مشاهده و مصاحبه با پیروان و سران این فرقه در کرمان نشان می‌دهد که ایشان به دلایل زیر با گروه اکثریت همزیستی مسالمت آمیز دارند:

آب و هوای خشک و کویری کرمان، محیط اجتماعی و جو سیاسی، حمایت سیاسی حاکمان از ایشان، رونق مکاتب و تعلیمات مذهبی در کرمان، امکان رشد صوفیه، عرفان و حضور اخباریون در کرمان، ثروت زیاد شیخیه، ظاهر آراسته و پاکیزگی شیخیه، شباهت افکار و عقاید مذهبی شیخیه با مردم کرمان، حضور اماکن و نهادهای مذهبی، حضور این فرقه در مراسم مذهبی شیعیان اثنی عشری، ازدواج برون گروهی، اسکان این گروه در بهترین مناطق شهر، نزدیکی محل سکونت شیخیه به مساکن کرمانیان، وجود نخبگان و سرشناسان شهر کرمان از بین این قشر،

سرمايه‌گذاري اين گروه در بخش‌های عام المنفعه، اعتقاد به مهدویت و منتظر ظهور امام زمان بودن، اشتغال اين گروه به کشاورزی و بازرگانی به عنوان مشاغل کار آفرین، بذل و بخشش و موقوفات سران شیخی در زمان قحطی و خشکسالی برای اکثریت مردم استان کرمان.

منابع

- ۱- ابراهیمی، ابوالقاسم؛ فهرست کتب مرحوم شیخ احمد احسانی و سایر مشايخ عظام اعلیٰ الله مقامهم، کرمان: چاپخانه سعادت، بی‌تا.
- ۲- ابو طالبی، علی؛ «حقوق قومی، اقلیت‌ها و همگرایی»، ترجمه‌ی علی کریمی مله، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱، ۱۳۸۷.
- ۳- اکبری، محمدعلی؛ شیخیه از اعتراض تا تأسیس فرقه مذهبی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۱۳۸۱، ۲۴.
- ۴- الطایی، علی؛ بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان، ۱۳۷۸.
- ۵- ابراهیمی نژاد، علی؛ فرقه شیخیه، بی‌نا، ۱۳۵۰.
- ۶- باستانی پاریزی؛ تاریخ کوهان، تهران: نشر گستر، ۱۳۸۱.
- ۷- بیات، کاوه؛ تحول دیدگاه تاریخی ایرانیان نسبت به مسائل قومی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال اول، شماره ۱، ص ۱۳۷۸.
- ۸- بی‌نا؛ «شیخیه» سایت خبر کرمان، ۱۳۸۵.
- ۹- پائولوف، میشل؛ فرهنگ مردم‌شناسی، تهران: نشر ویس، ۱۳۶۸.
- ۱۰- تنکابنی، محمد؛ قصص العلماء، تهران: علمیه‌الاسلامیه، ۱۳۶۴.
- ۱۱- جعفری، علی اکبر؛ «فوجام‌شناسی کیهانی و شکل سیری فرقه‌های دینی ایران در آستانه تشکیل دولت صفوی»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۲۹، ۱۳۸۹.
- ۱۲- حاجیانی، ابراهیم؛ «مسئله وحدت ملی و اکتوی سیاست قومی در ایران»، مجله نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳، ۱۳۸۰.
- ۱۳- خوبروی پاک، محمد رضا؛ اقلیت‌ها، تهران: نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۰.
- ۱۴- رفیع پور، فرامرز؛ آناتومی جامعه یا سنته‌الله: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، تهران: انتشارات کاوه، ۱۳۷۷.
- ۱۵- رمضان زاده، عبدالله؛ «رونده بحران قومی در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱، ۱۳۷۷.
- ۱۶- سمیعی نژاد، منیژه؛ «فرقه شیخیه»، پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی علوم اجتماعی، کرمان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ۱۳۷۱.
- ۱۷- سیمیر، رضا؛ «ملت‌های بدون کشور در جامعه جهانی»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۵۰ - ۱۴۹، ۱۳۷۸.

- ۱۸- شجاعی زند، علیرضا؛ **مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی**؛ بررسی جامعه شناختی مناسبات دین و دولت در ایران اسلامی، تهران: انتشارات تبیان، ۱۳۷۶.
- ۱۹- شریعتی، روح ا...؛ **اقلیت‌های دینی**، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰.
- ۲۰- صدر، ضیا؛ **کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان**، تهران: نشر نو، ۱۳۷۷.
- ۲۱- صدیقی، غلامحسین؛ **جنش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری**، تهران: نشر پژوهنگ، ۱۳۷۲.
- ۲۲- کرمانی، حاج محمد کریم خان؛ **ارشاد العوام**، کرمان: چاپخانه سعادت کرمان، ۱۳۵۳.
- ۲۳- کرمانی، حاج محمد کریم خانف؛ **رساله هدایه الطالبین**، کرمان: بی‌تا، ۱۳۸۰.
- ۲۴- کورین، هائزی؛ **مکتب شیخی**، ترجمه فریدون بهمنیار، تهران: نشر تابان، ۱۳۴۶.
- ۲۵- گار، تد رابرт؛ **عبورخوردگاهی فرقه ای و امنیت جهان**، ترجمه علیرضا محمدخانی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱۶-۱۱۵، ۱۳۷۶.
- ۲۶- گیدز، آنتونی؛ **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سوم، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- ۲۷- محمدی، مهدی؛ **تحلیل ویژگی‌های فرهنگی در اقوام و قومیت‌های ملی**؛ سمینار توسعه فرهنگی در استان همدان، ۱۳۷۳.
- ۲۸- مشکور، محمد جواد؛ **فرهنگ فرقه اسلامی**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، استان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- ۲۹- مینقل، دلیردر؛ **«اقلیت چیست؟»** «بیام یونسکو»، شماره ۲۷۷، ۱۳۷۲.
- ۳۰- همیلتون، ملکم؛ **جامعه‌شناسی دین**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات تبیان، ۱۳۸۱.
- ۳۱- وزارت کشور، شناسنامه وضعیت اقلیت‌ها (فرق و دراویش) استان کرمان، تهران: اداره کل سیاسی-امنیتی وزارت کشور، ۱۳۹۱.

32-Brew,Angela, 2001, “**Conception of research: A phenomenographic study**”, Studies in Higher Education, volume 26,issue 3.

33- Cusack, Carole M,2012,**Handbook of New Religions and Cultural Production**,Sydney, University of Sydney.

34- Palmer.Michael D,Burgess, Stanley M, 2012, “**Religion and Social Justice**”, California: Wiley Blackwell.